[195] تا یاری خواهم، پس أي مولایم با چه چیز با تو روبرو شوم، آیا با گوشم یا با چشمم، یا با زبانم، یا با دستم، یا با پایم، آیا همه آنها نعمتهای تو نمی باشد وبه تمامی آنها نافرمانیت را ننمودم، أي مولایم پس حجت ودلیل از آن توست. أي آنکه مرا از پدران ومادران پوشاند از اینکه مرا با تندی برانند، و از خویشاوندان وبرادران تا بر من عیب گیرند، واز فرمانروایان تا مجازاتم کنند، وای مولایم اگر آنان بر آنچه تو آگاه بودی مطلع بودند در اینصورت مرا مهلت نداده وطردم می ساختند وبامن قطع رابطه می کردند. پس مولایم هم اینك در پیشگاه تو ایستاده ام، خاضعانه وخوار و دلتنگ وناچیز، نه بیگناهم تا عذر خواهی کنم، ونه نیرومندم تا یاری ستانم، ونه حجتی دارم تا احتجاج نمایم، ونه می گویم که گناهکار نیستم و کار زشتی نکرده ام، وای مولایم اگر انکار هم می کردم سودی نمی داد، چگونه واز کجا، در حالیکه تمامی اعضایم بر آنچه عمل کرده ام شاهدند. وبه یقین می دانم وشکی ندارم که تو از امور بزرگ از من پرسش می کنی، وتو حاکم عادلي هستی که ستم نمی کنی، وعدالت تو هلاکت کننده من است، واز عدالتت می گریزم، وای مولایم اگر مرا عذاب کنی به سبب گناهانم می باشد که بعد از حجتت بر من انجام داده ام، واگر بر من ببخشائی بخاطر بردباری وجود وکرم توست. _____